

کانال دنیای گزارش کارورزی
در ایتا و تلگرام
@yarebename1



دانشگاه پردیس بنت‌الهدی صدر سنندج

گزارش کارورزی ۲ (اقدام پژوهی)

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر سمیه نعمتی

معلم راهنما: سرکار خانم لیدا نجفی

دانشجو: سمانه صدری

مدرسه : عصمت کمالیه (بانو ژاله کاکه خانی)

بهار ۱۴۰۵



تقدیر و تشکر

سپاس و ستایش بی‌کران خداوند متعال را که سرچشمه علم، دانایی و هدایت است و انسان را به نور دانش و آگاهی آراست. خداوندی که تعلیم و تعلم را مایه رشد، تعالی و برتری انسان‌ها قرار داد و مسیر پیشرفت را با چراغ علم روشن ساخت.

اینجانب بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی و سپاس صمیمانه خویش را از استاد راهنمای ارجمند، سرکار خانم دکتر سمیه نعمتی ابراز نمایم که با راهنمایی‌های ارزشمند، دلسوزانه و علمی خود، زمینه بهره‌مندی از دانش و تجربیات گران‌بهایشان را فراهم کردند و نقش مؤثری در پیشبرد اهداف این دوره کارورزی داشتند.

همچنین از سرکار خانم لیدا نجفی، معلم راهنمای محترم، که در طول دوره کارورزی با برگزاری کلاس‌های مجازی، ارائه راهنمایی‌های آموزشی و انتقال تجربیات ارزشمند حرفه‌ای خود، زمینه آشنایی هرچه بهتر اینجانب با شیوه‌های تدریس در فضای آموزش مجازی، مدیریت کلاس آنلاین و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

بی‌شک بهره‌مندی از دانش، راهنمایی‌ها و تجربیات ارزشمند این بزرگواران، نقش مهمی در ارتقای توانمندی‌های علمی، آموزشی و حرفه‌ای اینجانب داشته است. از درگاه خداوند متعال، سلامتی، موفقیت و توفیقات روزافزون آنان را خواستارم.

با احترام

چکیده

کارورزی فرصتی ارزشمند برای دانشجو معلمان فراهم می‌آورد تا ضمن آشنایی با محیط واقعی آموزش، دانش نظری خود را در موقعیت‌های عملی به کار گیرند و با مسائل و چالش‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان از نزدیک مواجه شوند. در این راستا، در دوره کارورزی تلاش شد علاوه بر مشاهده و شناخت فرآیند تدریس و یادگیری، با شناسایی برخی مشکلات آموزشی دانش‌آموزان، راهکارهای مناسب برای رفع آن‌ها طراحی، اجرا و ارزیابی شود. گزارش حاضر حاصل دو تجربه اقدام‌پژوهی در بسترهای آموزشی متفاوت است. در تجربه نخست که در کلاس‌های مجازی و از طریق سامانه شاد انجام شد، مسئله کاهش مشارکت و فعالیت یکی از دانش‌آموزان در فرآیند آموزش غیرحضوری مورد بررسی قرار گرفت. برای شناسایی عوامل مؤثر بر این مسئله از مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و سپس با اجرای راهکارهایی در جهت افزایش انگیزه، تعامل و مشارکت دانش‌آموز، زمینه حضور فعال‌تر وی در کلاس فراهم گردید.

در تجربه دوم، مشکل نارسانویسی یکی از دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی مورد توجه قرار گرفت. این دانش‌آموز با وجود توانایی مناسب در یادگیری مفاهیم درسی و پاسخ‌گویی شفاهی، در فعالیت‌های نوشتاری با مشکلاتی همچون نامنظم‌نویسی، رعایت نکردن فاصله بین کلمات، ناهماهنگی در اندازه حروف و کندی در نوشتن مواجه بود. به منظور بهبود این وضعیت، از طریق مشاهده، بررسی دفترها، گفت‌وگو با معلم و خانواده و مطالعه منابع مرتبط، اطلاعات لازم گردآوری شد و راهکارهایی شامل تمرین‌های هدفمند نوشتاری، تقویت مهارت‌های

حرکتی ظریف، ارائه بازخوردهای مثبت و جلب همکاری خانواده به اجرا درآمد.

نتایج حاصل از اجرای راهکارها در هر دو تجربه نشان داد که توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان، استفاده از شیوه‌های آموزشی مناسب و ایجاد تعامل مؤثر میان معلم، دانش‌آموز و خانواده می‌تواند نقش مهمی در بهبود فرایند یادگیری و رفع مشکلات آموزشی داشته باشد. همچنین این تجربیات فرصت مناسبی برای کسب مهارت‌های حرفه‌ای، تقویت توانایی حل مسئله و آشنایی عمیق‌تر اینجانب با چالش‌ها و فرصت‌های موجود در محیط‌های آموزشی حضوری و مجازی فراهم کرد.

فهرست

مقدمه.....	8
فصل اول:	۱۰
توصیف وضع موجود و بیان مسئله.....	۱۱
گرد آوری شواهد و اطلاعات (شواهد ۱).....	۱۳
تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۱۷
ارائه راهکار ها.....	۱۹
اجرای راهکار ها.....	۲۳
ارزیابی و بررسی نتایج (شواهد ۲).....	۲۶
نتیجه گیری.....	۲۸
پیشنهاد ها.....	۳۰
فصل دوم:	۳۲
توصیف وضع موجود و بیان مسئله.....	۳۳
گرد آوری شواهد و اطلاعات (شواهد ۱).....	۳۵
تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۳۷
ارائه راهکار ها.....	۳۸
اجرای راهکار ها.....	۳۹
ارزیابی و بررسی نتایج (شواهد ۲).....	۴۰
نتیجه گیری.....	۴۱
پیشنهاد ها.....	۴۳

٤٥ منابع

فعالیت‌های یادگیری فرصت‌هایی ارزشمند برای کسب تجربه، تفکر، ارزیابی و بازاندیشی در فرایند آموزش هستند. کارورزی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های دوره تربیت معلم، بستری را فراهم می‌کند تا دانشجو معلمان علاوه بر مشاهده و شناخت محیط آموزشی، به بررسی مسائل و چالش‌های موجود پرداخته و برای حل آن‌ها راهکارهای عملی ارائه دهند. در این مرحله، دانشجو با موقعیت‌های واقعی آموزشی و تربیتی روبه‌رو شده و می‌آموزد که بسیاری از مسائل تعلیم و تربیت دارای ابعاد گوناگون هستند و برای حل آن‌ها باید شرایط، ویژگی‌ها و نیازهای هر دانش‌آموز به طور دقیق مورد توجه قرار گیرد.

یکی از اهداف اصلی کارورزی، تقویت توانایی مشاهده، تحلیل، تصمیم‌گیری و حل مسئله در دانشجو معلمان است. از این رو، دانشجو تلاش می‌کند با استفاده از روش‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه، جمع‌آوری اطلاعات و بررسی شواهد، مسائل آموزشی و تربیتی را شناسایی کرده و برای بهبود آن‌ها اقدام نماید. این فرایند موجب می‌شود دانش نظری با تجربه عملی پیوند خورده و زمینه رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلم در محیط واقعی آموزش فراهم شود.

در سال‌های اخیر، تغییر شیوه‌های آموزشی و استفاده از فضاها، مجازی در کنار آموزش حضوری، چالش‌ها و فرصت‌های تازه‌ای را پیش روی معلمان قرار داده است. از سوی دیگر، وجود تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان و بروز مشکلات یادگیری در برخی از آنان، ضرورت توجه بیشتر به نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را آشکار می‌سازد. از این رو، معلمان باید بتوانند با شناسایی دقیق مسائل موجود و به‌کارگیری راهکارهای مناسب، شرایط مطلوب‌تری را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم آورند.

گزارش حاضر حاصل تجربیات اینجانب در دوره کارورزی و شامل دو

اقدام پژوهی در زمینه مسائل آموزشی دانش‌آموزان است. در تجربه نخست، مسئله کاهش مشارکت یکی از دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی مورد بررسی قرار گرفت و راهکارهایی برای افزایش انگیزه و حضور فعال او در فرایند یادگیری طراحی و اجرا شد. در تجربه دوم، مشکل نارسانویسی یکی از دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی مورد مطالعه قرار گرفت و با اجرای راهکارهای مناسب، تلاش شد مهارت نوشتاری، اعتماد به نفس و عملکرد آموزشی وی بهبود یابد. امید است نتایج این تجربیات بتواند در افزایش شناخت نسبت به مسائل آموزشی دانش‌آموزان و اهمیت مداخله مؤثر معلم در فرایند یادگیری مفید واقع شود.

فصل اول

موضوع: چگونه توانستم مشارکت دانش آموز غیر فعال را در کلاس مجازی افزایش دهم؟

توصیف وضعیت موجود و بیان مسئله:

در زمان انجام کارورزی ۲، به دلیل شرایط جنگی و تعطیلی مدارس، فرایند آموزش به صورت مجازی و از طریق برنامه شاد انجام می‌شد. در این مدت، مطابق برنامه تعیین‌شده از سوی استاد راهنما، به طور مستمر در کلاس‌های مجازی حضور داشتم و فعالیت‌های آموزشی معلم و دانش‌آموزان را مشاهده و بررسی می‌کردم. معلم کلاس برای ایجاد یادگیری مؤثر و افزایش مشارکت دانش‌آموزان از شیوه‌ها و ابزارهای متنوعی استفاده می‌کرد. برگزاری کلاس‌های مجازی تعاملی که در آن معلم و دانش‌آموزان امکان مشاهده تصویر یکدیگر و گفت‌وگوی مستقیم را داشتند، پخش زنده آموزشی همراه با پرسش و پاسخ، برگزاری آزمون‌های چندگزینه‌ای، ارائه تکالیف در قالب کاربرگه، ارسال فایل‌های صوتی آموزشی و فعالیت‌های مختلف یادگیری از جمله روش‌هایی بود که در طول آموزش مورد استفاده قرار می‌گرفت. بیشتر دانش‌آموزان نیز متناسب با توانایی خود در این فعالیت‌ها شرکت می‌کردند؛ به پرسش‌های معلم پاسخ می‌دادند، در کلاس‌های برخط حضور می‌یافتند و تکالیف خود را ارسال می‌کردند. در جریان این مشاهدات، دانش‌آموزی به نام «آسنا» توجه مرا به خود جلب کرد. برخلاف سایر دانش‌آموزان، او تقریباً هیچ‌گونه مشارکت آموزشی در کلاس نداشت. نام او به ندرت در گروه کلاسی دیده می‌شد و

هیچ اثری از حضور فعال وی در فعالیت‌های آموزشی مشاهده نمی‌شد. او نه به پرسش‌های معلم پاسخ می‌داد، نه در آزمون‌ها شرکت می‌کرد و نه تکالیف خواسته‌شده را ارسال می‌نمود. حتی در فعالیت‌های ساده‌ای که از همه دانش‌آموزان خواسته می‌شد تنها یک پاسخ کوتاه، یک تصویر یا یک فایل صوتی ارسال کنند نیز هیچ واکنشی از سوی او مشاهده نمی‌شد.

در ابتدا تصور می‌کردم که شاید این دانش‌آموز علاقه چندانی به درس و مدرسه ندارد یا از انگیزه کافی برای یادگیری برخوردار نیست؛ اما با ادامه مشاهدات و بررسی دقیق‌تر متوجه شدم که مسئله فراتر از یک بی‌علاقگی ساده است. عدم حضور مؤثر آسنا در تمامی فعالیت‌های آموزشی، در حالی که معلم از روش‌های متنوع و تعاملی برای تدریس استفاده می‌کرد، این پرسش را در ذهن من ایجاد کرد که چه عواملی موجب شده است این دانش‌آموز تا این اندازه از فرایند یادگیری فاصله بگیرد. از این رو تصمیم گرفتم با بررسی دقیق‌تر شرایط دانش‌آموز، خانواده و نحوه حضور او در محیط مجازی، ریشه‌های این مسئله را شناسایی کرده و برای رفع آن راهکار مناسبی پیدا کنم.

گرد آوری شواهد و اطلاعات (شواهد ۱)

پس از مشاهده غیرفعال بودن دانش آموز مورد نظر در کلاس های مجازی، تصمیم گرفتم برای شناخت دقیق تر مسئله و یافتن علت های احتمالی آن، اطلاعات بیشتری جمع آوری کنم. به همین منظور از روش های مختلفی برای گردآوری اطلاعات استفاده کردم:

الف) مشاهده مستقیم

در طول چندین جلسه حضور در کلاس های مجازی، فعالیت دانش آموزان را به دقت مورد مشاهده قرار دادم. نتایج مشاهدات نشان می داد که آسنا برخلاف سایر دانش آموزان هیچ گونه مشارکت آموزشی در گروه شاد ندارد. او نه به پرسش های معلم پاسخ می داد و نه تکالیف درخواستی را ارسال می نمود و نه در حین تدریس به صورت پخش زنده فعال بود.

ب) بررسی سوابق فعالیت دانش آموز در برنامه شاد

برای اطمینان بیشتر، فعالیت های ثبت شده دانش آموز در گروه کلاسی بررسی شد. نتایج این بررسی نشان داد که میزان مشارکت وی در

مقایسه با سایر دانش‌آموزان بسیار پایین است و در بسیاری از فعالیت‌های آموزشی هیچ نشانه‌ای از حضور او مشاهده نمی‌شود.

ج) تماس با خانواده دانش‌آموز

در مرحله بعد برای کسب اطلاعات بیشتر درباره وضعیت آسنا با مادر او تماس گرفتم. در این گفت‌وگو از صحبت‌های مادر آسنا فهمیدم که حساب کاربری دانش‌آموز در برنامه شاد احراز هویت نشده است و به همین دلیل در استفاده از برنامه شاد با محدودیت‌هایی مواجه است. همچنین پدر و مادر آسنا بی‌سواد هستند در نتیجه با فناوری‌آشنایی زیادی ندارند. و همین باعث می‌شود در استفاده از برنامه شاد و پیگیری امور درسی فرزندشان با مشکل مواجه شوند. نکته دیگری که در این گفت‌وگو متوجه آن شدم این بود که آسنا تک‌فرزند است و خواهر یا برادر بزرگتری ندارد که بتواند در انجام تکالیف، پیگیری برنامه‌های درسی یا استفاده از امکانات آموزش مجازی به او کمک کند.

اطلاعات به دست آمده از این گفت‌وگو نشان داد که بخشی از مشکلات آسنا می‌تواند ناشی از محدودیت‌های فنی و شرایط خانوادگی او باشد. بنابراین تصمیم گرفتم این موضوع را با دقت بیشتری بررسی کنم.

د) گفت‌وگو با معلم کلاس

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره وضعیت تحصیلی و آموزشی آسنا، با معلم کلاس گفت‌وگو کردم. معلم نیز از وضعیت تحصیلی این دانش‌آموز

ابراز نگرانی می‌کرد و معتقد بود که از زمان آغاز آموزش مجازی، عملکرد تحصیلی آسنا نسبت به گذشته افت قابل توجهی داشته است. معلم بیان کرد که از شرایط خانوادگی دانش‌آموز و بی‌سواد بودن والدین او آگاهی دارد و این موضوع را یکی از عوامل مؤثر در کاهش مشارکت و پیشرفت تحصیلی وی می‌داند. به گفته معلم، در طول برگزاری کلاس‌های مجازی چندین بار با خانواده دانش‌آموز تماس گرفته شده و درباره عدم ارسال تکالیف و ضرورت پیگیری فعالیت‌های درسی آسنا تذکرات لازم داده شده است؛ اما این پیگیری‌ها تأثیر چشمگیری در بهبود وضعیت دانش‌آموز نداشته است.

همچنین معلم اظهار داشت که آسنا به ندرت تکالیف خود را از طریق برنامه شاد ارسال می‌کند و در برخی موارد بخشی از تکالیف را از طریق برنامه روبیکا برای معلم فرستاده است. این مسئله نشان می‌داد که دانش‌آموز علاوه بر مشکلات فنی، در زمینه پیگیری امور درسی و دریافت حمایت آموزشی در خانه نیز با چالش‌هایی مواجه است. اطلاعات به‌دست‌آمده از این گفت‌وگو، نگرانی‌های اولیه درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموز را تأیید کرد و ضرورت بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر غیرفعال بودن او در کلاس‌های مجازی را بیش از پیش آشکار ساخت.

ه) گفت‌وگو با دانش‌آموز

پس از برقراری ارتباط با دانش‌آموز، مشخص شد که او در استفاده از برخی امکانات برنامه شاد و شرکت در کلاس‌های مجازی با مشکل روبه‌رو است و آشنایی کافی با نحوه ورود به کلاس‌های برخط و استفاده از ابزارهای ارتباطی برنامه ندارد.

مجموع اطلاعات جمع‌آوری‌شده نشان داد که مسئله غیرفعال بودن دانش‌آموز نیازمند بررسی دقیق‌تر است و برای شناسایی علت اصلی باید

عوامل مختلف فنی، آموزشی، انگیزشی و خانوادگی مورد مطالعه قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از گردآوری اطلاعات و شواهد اولیه، برای بررسی دقیق‌تر مسئله از منابع علمی مرتبط با آموزش مجازی نیز استفاده شد. در مقاله «عوامل مؤثر بر افت مشارکت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس مجازی» (درازهی، عبدالسلام؛ یاری، فیض محمداله؛ نوشیروانی مقدم، طاهره و نوشیروانی، فریده، ۱۴۰۴) عوامل مختلفی به عنوان دلایل کاهش مشارکت دانش‌آموزان در آموزش مجازی معرفی شده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، افت مشارکت دانش‌آموزان می‌تواند تحت تأثیر عوامل فنی و زیرساختی، عوامل آموزشی، عوامل روان‌شناختی و انگیزشی و همچنین عوامل محیطی و خانوادگی قرار داشته باشد. با توجه به نتایج این پژوهش و اطلاعات جمع‌آوری‌شده درباره آسنا، عوامل زیر به عنوان دلایل احتمالی غیرفعال بودن وی در کلاس مجازی مورد بررسی قرار گرفت:

1- عوامل فنی و زیرساختی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان در آموزش مجازی، دسترسی به امکانات فنی مناسب است. اینترنت ناپایدار، محدودیت دسترسی به تلفن همراه یا تبلت مناسب و ناآشنایی با امکانات برنامه‌های آموزشی می‌تواند موجب کاهش مشارکت دانش‌آموز شود. با توجه به اینکه حساب کاربری آسنا در برنامه شاد احراز هویت نشده بود و خانواده او نیز آشنایی کافی با فناوری نداشتند، این احتمال وجود داشت که بخشی از مشکل به عوامل فنی و زیرساختی مربوط باشد.

2- عوامل آموزشی و روش تدریس

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارائه محتوای آموزشی به صورت یک‌سویه، نبود تعامل کافی میان معلم و دانش‌آموز، فقدان بازخورد فوری و استفاده از شیوه‌های ارزشیابی نامناسب می‌تواند باعث کاهش مشارکت دانش‌آموزان شود. با این حال بررسی کلاس مورد مطالعه نشان داد که

معلم از روش‌های متنوعی مانند کلاس‌های برخط، پخش زنده، پرسش و پاسخ، آزمون‌های آنلاین، فایل‌های صوتی و تکالیف متنوع استفاده می‌کرد و اغلب دانش‌آموزان نیز در این فعالیت‌ها مشارکت داشتند؛ بنابراین احتمال نقش اصلی این عامل کمتر به نظر می‌رسید.

3- عوامل روان‌شناختی و انگیزشی

احساس ناشناختگی در فضای مجازی، اضطراب ناشی از استفاده از فناوری، کاهش مهارت خودتنظیمی و فقدان انگیزه درونی از دیگر عواملی هستند که می‌توانند مشارکت دانش‌آموزان را کاهش دهند. افت تحصیلی آسنا در دوره آموزش مجازی و مشارکت بسیار محدود او در فعالیت‌های کلاسی می‌توانست نشان‌دهنده وجود برخی از این عوامل باشد.

4- عوامل محیطی و خانوادگی

شرایط محیطی و خانوادگی نیز نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان در آموزش مجازی دارد. وجود عوامل حواس‌پرتی در خانه، نبود فضای مناسب برای مطالعه و به‌ویژه محدودیت حمایت خانواده می‌تواند فرایند یادگیری را با مشکل مواجه کند. اطلاعات به‌دست‌آمده از گفت‌وگو با خانواده و معلم کلاس نشان داد که والدین آسنا بی‌سواد هستند و توانایی چندانی در کمک به امور درسی او ندارند. همچنین آسنا تک‌فرزند خانواده است و خواهر یا برادر بزرگتری ندارد که بتواند در انجام تکالیف، استفاده از برنامه شاد یا پیگیری فعالیت‌های آموزشی به او کمک کند.

با بررسی شواهد و اطلاعات گردآوری‌شده، به نظر می‌رسید که اگرچه عوامل فنی در بروز این مسئله نقش داشته‌اند، اما مهم‌ترین عامل غیرفعال بودن آسنا، محدودیت حمایت آموزشی در خانواده، بی‌سوادی والدین و ناآشنایی آنان با فناوری‌های آموزشی بوده است. از این رو تصمیم گرفتم راهکارهایی را انتخاب کنم که علاوه بر رفع مشکلات فنی، بتواند بخشی از این کمبود حمایتی را نیز جبران کند.

ارائه راهکار های پیشنهادی

پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده عملکرد دانش‌آموز در کلاس‌های مجازی، بررسی وضعیت حضور و مشارکت وی در برنامه شاد، گفت‌وگو با معلم کلاس و تماس با خانواده دانش‌آموز، مشخص شد که غیرفعال بودن آسنا در کلاس‌های مجازی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فنی، آموزشی و خانوادگی قرار دارد. بررسی‌ها نشان داد که مشکلات مربوط به استفاده از برنامه شاد، آشنا نبودن دانش‌آموز با امکانات کلاس‌های مجازی، نبود حمایت آموزشی کافی در منزل، بی‌سوادی والدین و کاهش انگیزه تحصیلی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت موجود هستند. بنابراین برای رفع این مشکل و افزایش مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری، راهکارهای زیر انتخاب شد.

۱. رفع مشکلات فنی و فراهم کردن شرایط لازم برای مشارکت دانش‌آموز در کلاس‌های مجازی

با توجه به اینکه بخشی از مشکلات دانش‌آموز به محدودیت‌های فنی و ناتوانی در استفاده از امکانات برنامه شاد مربوط می‌شد، ضروری بود ابتدا این موانع برطرف شود. بدیهی است تا زمانی که دانش‌آموز نتواند به‌درستی از امکانات آموزشی موجود استفاده کند، امکان حضور فعال در فرایند یادگیری نیز برای او فراهم نخواهد شد. از این رو رفع مشکلات فنی و تسهیل دسترسی دانش‌آموز به امکانات آموزشی مجازی به عنوان نخستین راهکار انتخاب شد.

۲. آموزش نحوه استفاده از امکانات آموزشی برنامه شاد

بررسی‌ها نشان داد که دانش‌آموز آشنایی کافی با برخی قابلیت‌های برنامه شاد و کلاس‌های برخط ندارد. از آنجا که استفاده صحیح از این امکانات نقش مهمی در برقراری ارتباط با معلم و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی دارد، آموزش مهارت‌های لازم برای حضور مؤثر در کلاس‌های مجازی به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در نظر گرفته شد.

۳. برقراری ارتباط مستمر با خانواده دانش‌آموز

خانواده در دوره آموزش مجازی نقش بسیار مهمی در پیگیری فعالیت‌های درسی فرزندان دارد. با توجه به شرایط خانوادگی آسنا و محدودیت‌های موجود در زمینه پیگیری امور آموزشی، لازم بود ارتباط مؤثرتری میان مدرسه و خانواده برقرار شود. به همین دلیل ایجاد ارتباط مستمر با والدین و آگاه ساختن آنان نسبت به اهمیت پیگیری فعالیت‌های درسی فرزندشان به عنوان یکی از راهکارهای مهم انتخاب شد.

۴. جبران کمبود حمایت آموزشی در منزل

بررسی وضعیت دانش‌آموز نشان داد که وی در منزل از حمایت آموزشی کافی برخوردار نیست و در انجام بسیاری از فعالیت‌های درسی با مشکل مواجه می‌شود. از آنجا که بخش قابل توجهی از آموزش در فضای مجازی به فعالیت مستقل دانش‌آموز و حمایت خانواده وابسته است، لازم بود تمهیداتی برای جبران این کمبود در نظر گرفته شود تا دانش‌آموز در مسیر یادگیری با مشکلات کمتری روبه‌رو شود.

۵. افزایش انگیزه و اعتماد به نفس دانش آموز

یکی از عوامل مؤثر در کاهش مشارکت آسنا، پایین بودن انگیزه و اعتماد به نفس او در فعالیت‌های آموزشی بود. دانش‌آموز تمایل چندانی به پاسخگویی، انجام تکالیف و مشارکت در کلاس نشان نمی‌داد و در بسیاری از مواقع از حضور فعال در فرایند یادگیری خودداری می‌کرد. بنابراین تقویت انگیزه، ایجاد احساس موفقیت و افزایش اعتماد به نفس از طریق تشویق و ارائه بازخوردهای مثبت به عنوان یکی از راهکارهای ضروری انتخاب شد.

۶. افزایش آمادگی درسی و مشارکت فعال در کلاس‌های مجازی

برای آنکه دانش‌آموز بتواند در فعالیت‌های آموزشی مشارکت مؤثرتری داشته باشد، لازم بود آمادگی علمی او نیز تقویت شود. مرور مطالب درسی، آمادگی برای پاسخگویی به پرسش‌های معلم و انجام منظم تکالیف می‌توانست زمینه حضور فعال‌تر دانش‌آموز را در کلاس‌های مجازی فراهم کند. از این رو برنامه‌ریزی برای افزایش آمادگی درسی وی به عنوان یکی از راهکارهای پژوهش در نظر گرفته شد.

۷. استفاده از همکاری معلم در حمایت از دانش آموز

با توجه به نقش مؤثر معلم در ایجاد انگیزه و هدایت فرایند یادگیری، استفاده از ظرفیت همکاری معلم کلاس نیز در زمره راهکارهای پیشنهادی قرار گرفت. تشویق دانش‌آموز، ارائه بازخورد مناسب، فراهم

کردن فرصت پاسخگویی و حمایت عاطفی از وی می‌توانست به افزایش مشارکت و اعتماد به نفس او کمک کند.

۸. پیگیری مستمر روند پیشرفت دانش آموز

برای اطمینان از اثربخشی راهکارهای انتخاب شده، لازم بود وضعیت تحصیلی دانش‌آموز به صورت مستمر مورد بررسی قرار گیرد. پیگیری میزان حضور در کلاس‌ها، انجام تکالیف، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و نحوه پاسخگویی به سؤالات معلم می‌توانست اطلاعات لازم را برای ارزیابی نتایج اقدامات انجام شده فراهم کند. بنابراین نظارت و پیگیری مستمر نیز به عنوان یکی از راهکارهای اصلی پژوهش انتخاب شد.

با توجه به شرایط دانش‌آموز و امکانات موجود، راهکارهای فوق به عنوان مناسب‌ترین گزینه‌ها برای افزایش مشارکت آسنا در کلاس‌های مجازی انتخاب شدند و در مرحله بعد به اجرا درآمدند.

اجرای راهکار های پیشنهادی

پس از انتخاب راهکار های مناسب، اجرای آن ها را به صورت مرحله ای آغاز کردم. در گام نخست، تصمیم گرفتم مشکلات فنی دانش آموز را در برنامه شاد برطرف کنم. بررسی ها نشان می داد که حساب کاربری آسنا هنوز احراز هویت نشده است و همین مسئله مانع استفاده کامل او از امکانات برنامه شاد می شد. برای رفع این مشکل، فیلمی آموزشی درباره مراحل احراز هویت تهیه کردم و برای آسنا و مادرش فرستادم. علاوه بر آن، چندین بار با خانواده دانش آموز تماس گرفتم و مراحل کار را برای آن ها توضیح دادم تا در نهایت احراز هویت دانش آموز با موفقیت انجام شد.

پس از انجام احراز هویت، فعالیت های آسنا را در کلاس های مجازی زیر نظر گرفتم. مشاهده کردم که او در ابتدای کلاس فقط پیام حضور خود را در گروه ارسال می کند، اما همچنان در انجام تکالیف و سایر فعالیت های آموزشی مشارکت چندانی ندارد. برای بررسی دقیق تر وضعیت او، در برخی از کلاس های برخط حضور پیدا کردم. در یکی از جلسات، معلم از آسنا خواست به سؤالی پاسخ دهد، اما او نتوانست میکروفون یا دوربین خود را فعال کند و ارتباطی با معلم برقرار نشد. این موضوع نشان داد که دانش آموز هنوز با نحوه استفاده از امکانات کلاس های برخط آشنایی کافی ندارد. به همین دلیل، فیلم آموزشی دیگری تهیه کردم و نحوه ورود به کلاس برخط، فعال کردن میکروفون و دوربین، شرکت در گفت وگوهای صوتی و استفاده از سایر امکانات مورد نیاز را به او آموزش دادم.

بعد از رفع این مشکلات فنی، انتظار داشتم آسنا مانند سایر دانش آموزان تکالیف خود را ارسال کند و در فعالیت های آموزشی مشارکت بیشتری داشته باشد؛ اما همچنان تکالیفش را ارسال نمی کرد و هنگام پاسخگویی به سؤالات معلم با مشکل روبه رو بود. همچنین متوجه شدم در کلاس های

پخش زنده، پاسخ‌های سایر دانش‌آموزان را تکرار می‌کند و گاهی استیکرهایی نامرتبط با موضوع درس می‌فرستد. این مشاهدات مرا به این نتیجه رساند که مشکل اصلی فقط به مسائل فنی مربوط نیست و عوامل دیگری نیز در این وضعیت نقش دارند.

پس از گفت‌وگو با خانواده و بررسی شرایط دانش‌آموز، متوجه شدم بی‌سوادی والدین و ناتوانی آن‌ها در پیگیری فعالیت‌های آموزشی، تأثیر زیادی بر وضعیت تحصیلی آسنا گذاشته است. به همین دلیل تصمیم گرفتم بخشی از حمایتی را که سایر دانش‌آموزان از خانواده خود دریافت می‌کنند، برای آسنا جبران کنم.

از آن پس هر روز در کلاس‌های مجازی حضور پیدا می‌کردم و فعالیت‌های آموزشی را دنبال می‌کردم. هر زمان معلم تکلیفی برای دانش‌آموزان تعیین می‌کرد، با آسنا تماس می‌گرفتم و او را برای انجام تکلیف راهنمایی می‌کردم. در بسیاری از روزها، معلم از دانش‌آموزان می‌خواست پیام صوتی یا فعالیت مشخصی را در گروه ارسال کنند. در چنین شرایطی با آسنا تماس می‌گرفتم، توضیحات لازم را در اختیارش قرار می‌دادم و تا زمان ارسال تکلیف، پیگیر انجام آن می‌شدم. گاهی آسنا برای انجام تکالیف بی‌انگیزه بود یا انجام آن‌ها را به تعویق می‌انداخت. در این مواقع چندین بار با او تماس می‌گرفتم، تشویقش می‌کردم و اهمیت انجام تکلیف را برایش توضیح می‌دادم. همچنین از معلم کلاس خواستم نسبت به تکالیف ارسالی آسنا بازخورد مثبت نشان دهد تا انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت پیدا کند.

علاوه بر این، از مادر آسنا خواستم پس از پایان کلاس‌ها انجام تکالیف و مطالعه دروس را به فرزندش یادآوری کند. هر زمان معلم کاربرگ‌های ریاضی، فارسی یا سایر دروس را در گروه ارسال می‌کرد، با دانش‌آموز تماس می‌گرفتم و از او می‌پرسیدم که آیا نحوه حل تمرین‌ها را می‌داند یا خیر. اگر در بخشی از درس مشکل داشت، مفاهیم مربوط را برایش توضیح می‌دادم و سپس انجام و ارسال تکلیف را پیگیری می‌کردم. از آنجا که این پژوهش در هفته‌های پایانی سال تحصیلی اجرا می‌شد و

بیشتر کلاس‌ها به مرور و جمع‌بندی مطالب اختصاص داشت، پیش از هر جلسه بررسی می‌کردم که معلم قصد دارد کدام درس‌ها و مباحث را مرور کند. سپس شب قبل از کلاس با آسنا تماس می‌گرفتم و مطالب را با او مرور می‌کردم تا برای حضور در کلاس آمادگی بیشتری داشته باشد. برای مثال، اگر قرار بود چند درس از علوم یا مطالعات اجتماعی مرور شود، پرسش‌های احتمالی را با او تمرین می‌کردم و نکات مهم درس را دوباره توضیح می‌دادم.

همچنین با معلم کلاس درباره وضعیت آسنا گفت‌وگو کردم و از او خواستم هنگام پرسش از دانش‌آموز، فرصت کافی برای فکر کردن و پاسخ دادن در اختیارش قرار دهد. معلم نیز همکاری بسیار خوبی داشت؛ پاسخ‌های صحیح آسنا را تشویق می‌کرد و هرگاه پاسخ را نمی‌دانست، بدون سرزنش او را راهنمایی می‌کرد تا به جواب درست برسد.

به تدریج نتیجه این اقدامات در عملکرد دانش‌آموز نمایان شد. آسنا نسبت به گذشته اشتیاق بیشتری برای حضور در کلاس‌ها نشان می‌داد، تکالیف خود را منظم‌تر انجام می‌داد و اعتمادبه‌نفس بیشتری برای پاسخگویی به سؤالات معلم پیدا کرده بود. مشارکت او در فعالیت‌های آموزشی افزایش یافت و توانست نقش فعال‌تری در فرایند یادگیری خود ایفا کند.

ارزیابی و بررسی نتایج (شواهد ۲)

پس از اجرای راهکارهای پیشنهادی، به طور مستمر وضعیت تحصیلی و میزان مشارکت آسنا را بررسی کردم تا میزان اثربخشی اقدامات انجام‌شده را ارزیابی کنم. با مقایسه وضعیت دانش‌آموز در آغاز پژوهش و هفته‌های پایانی آموزش مجازی، متوجه شدم که تغییرات مثبت و قابل توجهی در عملکرد او به وجود آمده است.

در ابتدای پژوهش، آسنا به دلیل مشکلات فنی، ناآشنایی با امکانات برنامه شاد و کمبود حمایت آموزشی در منزل، مشارکت بسیار محدودی در کلاس‌های مجازی داشت. او معمولاً تنها پیام حضور خود را در گروه کلاسی ارسال می‌کرد و در انجام تکالیف، پاسخگویی به سؤالات معلم و شرکت در فعالیت‌های آموزشی نقش فعالی نداشت. همچنین در کلاس‌های برخط و گفت‌وگوهای صوتی نیز حضور مؤثری نشان نمی‌داد.

پس از رفع مشکلات فنی و اجرای سایر راهکارها، به تدریج شاهد افزایش مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی بودم. آسنا توانست از امکانات مختلف برنامه شاد به درستی استفاده کند و در کلاس‌های برخط و گفت‌وگوهای صوتی حضور فعال‌تری داشته باشد. همچنین هنگام پرسش معلم، با اعتماد بیشتری در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کرد و به سؤالات پاسخ می‌داد.

یکی از مهم‌ترین نتایجی که در طول پژوهش مشاهده کردم، افزایش میزان انجام و ارسال تکالیف بود. در حالی که آسنا در ابتدای پژوهش به ندرت تکالیف خود را ارسال می‌کرد، در هفته‌های پایانی در بیشتر مواقع تکالیف خواسته‌شده را انجام می‌داد و برای معلم ارسال می‌کرد. علاوه بر این، در برخی موارد بدون یادآوری و پیگیری مستقیم من، تکالیف خود را به موقع انجام می‌داد که نشان می‌داد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به وظایف درسی خود پیدا کرده است.

همچنین متوجه شدم کیفیت پاسخ‌های دانش‌آموز نسبت به گذشته بهتر شده است. در کلاس‌های گفت‌وگوی صوتی و جلسات برخط، پاسخ‌های مناسب‌تر و دقیق‌تری ارائه می‌داد و آمادگی بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های آموزشی داشت. این تغییرات نشان می‌داد که مرور درس‌ها، پیگیری مستمر و حمایت آموزشی توانسته است به افزایش یادگیری و آمادگی درسی او کمک کند.

در طول اجرای پژوهش، بارها با معلم کلاس درباره وضعیت آسنا گفت‌وگو کردم. معلم نیز از روند پیشرفت دانش‌آموز ابراز رضایت می‌کرد و معتقد بود که میزان مشارکت، انجام تکالیف و پاسخگویی او نسبت به گذشته بهبود یافته است. این بازخوردها با مشاهدات من نیز همخوانی داشت و نشان می‌داد که اقدامات انجام‌شده در مسیر درستی قرار دارد.

در مجموع، بررسی نتایج پژوهش نشان داد که راهکارهای اجراشده تأثیر مثبتی بر عملکرد آموزشی آسنا داشته‌اند. افزایش مشارکت در کلاس‌های مجازی، انجام منظم‌تر تکالیف، حضور فعال‌تر در گفت‌وگوهای صوتی، بهبود کیفیت پاسخ‌ها، افزایش انگیزه و مسئولیت‌پذیری و همچنین رضایت بیشتر معلم از عملکرد دانش‌آموز، از مهم‌ترین نتایجی بود که در پایان پژوهش مشاهده کردم. این نتایج نشان داد که با پیگیری مستمر، حمایت آموزشی مناسب و همکاری خانواده و معلم می‌توان زمینه پیشرفت دانش‌آموزان کم‌فعال را در آموزش مجازی فراهم کرد.

نتیجه گیری

هدف از انجام این اقدام پژوهی، بررسی علل غیرفعال بودن آسنا در کلاس‌های مجازی و یافتن راهکارهایی برای افزایش مشارکت او در فرایند یادگیری بود. در ابتدای پژوهش، آسنا حضور بسیار محدودی در فعالیت‌های آموزشی داشت. او تکالیف خود را ارسال نمی‌کرد، در پاسخگویی به سؤالات معلم مشارکت چندانی نداشت و حضورش در کلاس‌ها بیشتر به ارسال پیام اعلام حضور محدود می‌شد. این وضعیت باعث شده بود که از روند یادگیری فاصله بگیرد و نتواند مانند سایر دانش‌آموزان از فرصت‌های آموزشی موجود بهره‌مند شود.

در آغاز پژوهش تصور می‌کردم که مشکلات فنی و ناتوانی در استفاده از برنامه شاد مهم‌ترین عامل غیرفعال بودن دانش‌آموز است، اما پس از بررسی‌های بیشتر متوجه شدم که عوامل دیگری نیز در این مسئله نقش دارند. بی‌سوادی والدین، ناآشنایی خانواده با روند آموزش مجازی، نبود حمایت آموزشی کافی در منزل و کاهش انگیزه دانش‌آموز از مهم‌ترین عواملی بودند که بر عملکرد تحصیلی آسنا تأثیر گذاشته بودند. برای رفع این مشکل، مجموعه‌ای از راهکارها از جمله رفع موانع فنی، آموزش نحوه استفاده از امکانات برنامه شاد، برقراری ارتباط مستمر با خانواده، ارائه حمایت آموزشی به دانش‌آموز، افزایش انگیزه و اعتماد به نفس او و پیگیری مداوم وضعیت درسی وی را به اجرا درآوردم. همچنین با همکاری معلم کلاس تلاش کردم شرایطی فراهم شود که دانش‌آموز با آرامش و اطمینان بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت کند.

نتایج پژوهش نشان داد که اجرای این راهکارها تأثیر مثبتی بر عملکرد دانش‌آموز داشته است. آسنا به تدریج توانست حضور فعال‌تری در کلاس‌های مجازی داشته باشد، تکالیف خود را منظم‌تر انجام دهد، در گفت‌وگوهای صوتی و کلاس‌های برخط مشارکت کند و پاسخ‌های

مناسب‌تری به پرسش‌های معلم ارائه دهد. همچنین مسئولیت‌پذیری، انگیزه و اعتماد به نفس او نسبت به آغاز پژوهش افزایش یافت و معلم کلاس نیز از پیشرفت وی ابراز رضایت کرد.

این تجربه نشان داد که بسیاری از مشکلات آموزشی دانش‌آموزان، به ویژه در آموزش مجازی، تنها به توانایی‌های درسی آن‌ها مربوط نمی‌شود و گاهی عوامل خانوادگی، اجتماعی و فنی نقش مهم‌تری در بروز این مشکلات دارند. همچنین به این نتیجه رسیدیم که پیگیری مستمر، برقراری ارتباط مؤثر با خانواده، حمایت آموزشی مناسب و ایجاد انگیزه در دانش‌آموز می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش مشارکت او در فرایند یادگیری داشته باشد.

در مجموع، اجرای این اقدام پژوهی به من کمک کرد تا شناخت عمیق‌تری از مشکلات دانش‌آموزان در شرایط آموزش مجازی به دست آورم و اهمیت توجه به شرایط فردی و خانوادگی آنان را بیش از پیش درک کنم. نتایج به دست آمده نشان داد که با برنامه‌ریزی مناسب، پیگیری مداوم و همکاری میان معلم، خانواده و دانش‌آموز می‌توان بسیاری از موانع یادگیری را برطرف کرد و زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم ساخت.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج حاصل از این اقدام پژوهی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

_در ابتدای سال تحصیلی، معلمان وضعیت دسترسی دانش‌آموزان به امکانات آموزشی و میزان آشنایی آن‌ها با سامانه‌های آموزش مجازی را بررسی کنند تا مشکلات فنی احتمالی در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی و برطرف شود.

_برای والدین، به ویژه خانواده‌هایی که آشنایی کمتری با فناوری‌های آموزشی دارند، آموزش‌های لازم درباره نحوه استفاده از سامانه‌های آموزشی و چگونگی پیگیری فعالیت‌های درسی فرزندان ارائه شود.

_معلمان دانش‌آموزانی را که مشارکت کمتری در کلاس‌های مجازی دارند، به صورت مستمر شناسایی و وضعیت آن‌ها را از طریق ارتباط با خانواده پیگیری کنند تا از بروز افت تحصیلی جلوگیری شود.

_معلمان با استفاده از تشویق، بازخوردهای مثبت و ایجاد فرصت‌های موفقیت، انگیزه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کم‌فعال را افزایش دهند و زمینه مشارکت بیشتر آنان را در فعالیت‌های آموزشی فراهم کنند.

_خانواده‌ها حتی در صورت نداشتن سواد کافی، با پیگیری منظم حضور فرزندان در کلاس‌ها و یادآوری انجام تکالیف، نقش فعال‌تری در حمایت از فرایند یادگیری آن‌ها ایفا کنند.

_مدارس برای دانش‌آموزانی که از حمایت آموزشی کافی در منزل برخوردار نیستند، برنامه‌های حمایتی و جبرانی در نظر بگیرند تا فرصت‌های یادگیری برابر برای همه دانش‌آموزان فراهم شود.

_همکاری و ارتباط مستمر میان معلم، خانواده و دانش‌آموز به عنوان یکی از عوامل مهم موفقیت تحصیلی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا نتایج این پژوهش نشان داد که این همکاری می‌تواند نقش مؤثری در رفع مشکلات آموزشی و افزایش مشارکت دانش‌آموزان داشته باشد.

فصل دوم

موضوع: چگونه توانستم مشکل نارسا نویسی دانش آموز را حل کنم؟

توصیف وضعیت موجود و بیان مسئله

در طول دوره کارورزی در کلاس سوم ابتدایی، تلاش می‌کردم علاوه بر حضور در فرایند تدریس، به ویژگی‌های فردی و آموزشی دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشم. در جریان مشاهده فعالیت‌های کلاسی، دانش‌آموزی که در این گزارش با عنوان «دانش‌آموز الف» معرفی می‌شود، توجه مرا به خود جلب کرد. این دانش‌آموز در هنگام پاسخ‌گویی شفاهی، شرکت در بحث‌های کلاسی و انجام فعالیت‌های گروهی عملکرد مناسبی داشت و مطالب درسی را به خوبی درک می‌کرد، اما هنگام انجام فعالیت‌های نوشتاری با مشکلات متعددی مواجه می‌شد.

بررسی دفترهای دانش‌آموز نشان می‌داد که نوشته‌های او از خوانایی مطلوب برخوردار نیست. اندازه حروف در بسیاری از موارد نامتناسب بود، فاصله بین کلمات به درستی رعایت نمی‌شد و برخی حروف به صورت ناقص یا نامشخص نوشته می‌شدند. همچنین دانش‌آموز در نوشتن بعضی کلمات دچار حذف، جابه‌جایی یا تکرار حروف می‌شد. این وضعیت موجب شده بود که معلم برای خواندن نوشته‌های او با دشواری مواجه شود و خود دانش‌آموز نیز نسبت به تکالیف نوشتاری علاقه و انگیزه کمتری نشان دهد.

در مشاهده‌های انجام شده مشخص شد که دانش‌آموز هنگام نوشتن نسبت به همکلاسی‌های خود زمان بیشتری صرف می‌کند و در برخی مواقع پیش از تکمیل فعالیت نوشتاری احساس خستگی کرده یا از ادامه کار

خودداری می‌کند. همچنین هنگامی که نوشته‌های او با سایر دانش‌آموزان مقایسه می‌شد، نشانه‌هایی از کاهش اعتماد به نفس در وی مشاهده می‌شد. این مسئله نه تنها بر عملکرد او در درس فارسی، بلکه بر سایر دروسی که نیازمند نوشتن پاسخ‌ها بودند نیز تأثیر گذاشته بود. با توجه به اهمیت مهارت نوشتن در فرایند یادگیری و نقش آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، تصمیم گرفتم علت بروز این مشکل را به طور دقیق‌تر بررسی کنم. از آنجا که نارسانویسی می‌تواند در صورت بی‌توجهی به یک مانع جدی در مسیر یادگیری تبدیل شود، تلاش کردم با استفاده از راهکارهای آموزشی مناسب، شرایطی را فراهم کنم تا دانش‌آموز بتواند مهارت نوشتاری خود را تقویت کرده و با اعتماد به نفس بیشتری در فعالیت‌های کلاسی مشارکت کند.

گرد آوری شواهد و اطلاعات (شواهد ۱)

پس از شناسایی مشکل نارسانویسی در دانش آموز الف، برای دستیابی به شناخت دقیق تر از ابعاد مسئله و یافتن علل احتمالی آن، اطلاعات لازم از منابع مختلف جمع آوری شد. در این مرحله تلاش کردم از روش های متنوعی استفاده کنم تا تصویری روشن از وضعیت دانش آموز به دست آورم.

نخستین روش، مشاهده مستقیم عملکرد دانش آموز در کلاس درس بود. در طی چند جلسه آموزشی، نحوه نشستن، گرفتن مداد، سرعت نوشتن، میزان دقت در نوشتن حروف و واکنش های دانش آموز هنگام انجام فعالیت های نوشتاری مورد بررسی قرار گرفت. مشاهدات نشان داد که دانش آموز هنگام نوشتن مداد را با فشار زیاد در دست می گیرد و پس از مدتی احساس خستگی می کند. همچنین برای نوشتن بسیاری از کلمات به زمان بیشتری نیاز داشت.

روش دیگر، بررسی دفترها و تکالیف دانش آموز بود. نمونه های مختلفی از نوشته های او در درس فارسی، املا و سایر دروس مورد مطالعه قرار گرفت. این بررسی نشان داد که مشکل دانش آموز تنها به یک درس محدود نیست و در اغلب فعالیت های نوشتاری مشاهده می شود.

برای تکمیل اطلاعات، گفت و گویی با معلم کلاس انجام شد. معلم اظهار داشت که دانش آموز از نظر درک مفاهیم درسی در سطح مطلوبی قرار دارد و در فعالیت های شفاهی مشارکت فعالی دارد، اما در انجام تکالیف نوشتاری همواره با مشکل مواجه است. همچنین بیان شد که دانش آموز در سال های قبل نیز تا حدودی این مشکل را داشته است.

در ادامه، با والدین دانش آموز گفت و گو شد. آن ها بیان کردند که فرزندشان در منزل نیز هنگام نوشتن تکالیف به زمان زیادی نیاز دارد و گاهی به دلیل دشواری نوشتن از انجام تکالیف خسته و بی حوصله

می‌شود. والدین همچنین اظهار داشتند که فرصت کافی برای انجام تمرین‌های هدفمند تقویت مهارت نوشتن در منزل وجود نداشته است. مطالعه منابع علمی و مطالب مرتبط با اختلالات یادگیری نیز بخش دیگری از فرایند گردآوری اطلاعات بود. بررسی این منابع نشان داد که نارسانویسی می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند ضعف در مهارت‌های حرکتی ظریف، نداشتن تمرین کافی، شیوه نادرست گرفتن مداد، کاهش اعتماد به نفس و اضطراب هنگام نوشتن باشد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری اطلاعات و بررسی داده‌های به دست آمده، مشخص شد که دانش‌آموز الف از نظر توانایی ذهنی و یادگیری مفاهیم درسی با مشکل خاصی مواجه نیست. عملکرد مطلوب او در پاسخ‌گویی شفاهی، مشارکت در بحث‌های کلاسی و انجام فعالیت‌های غیرنوشتاری نشان می‌داد که مشکل اصلی به فرایند نوشتن مربوط است.

بررسی نمونه نوشته‌ها و مشاهدات انجام شده نشان داد که دانش‌آموز در مهارت‌های حرکتی ظریف و کنترل حرکات دست هنگام نوشتن نیازمند تقویت است. فشار بیش از حد به مداد، خستگی سریع دست و ناتوانی در حفظ نظم و اندازه مناسب حروف از جمله نشانه‌هایی بود که این موضوع را تأیید می‌کرد.

همچنین مشاهده شد که دانش‌آموز به دلیل تجربه مکرر شکست در فعالیت‌های نوشتاری، اعتماد به نفس کمتری نسبت به سایر همکلاسی‌های خود دارد. این مسئله موجب می‌شد که هنگام نوشتن دچار اضطراب شده و با تردید بیشتری به انجام تکالیف بپردازد. در نتیجه، کیفیت نوشته‌ها کاهش یافته و اشتباهات بیشتری در کار او مشاهده می‌شد.

بر اساس یافته‌های به دست آمده، به نظر می‌رسید که مشکل دانش‌آموز بیشتر ناشی از ضعف در مهارت‌های نوشتاری و حرکتی و همچنین کاهش انگیزه و اعتماد به نفس باشد. بنابراین راهکارهای انتخابی باید علاوه بر تقویت مهارت نوشتن، به افزایش انگیزه و احساس موفقیت دانش‌آموز نیز کمک می‌کردند.

ارائه راهکار ها

پس از بررسی منابع علمی، مشورت با معلم راهنما و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، راهکارهای زیر برای بهبود وضعیت دانش‌آموز ارائه شد:

_انجام فعالیت‌های تقویت‌کننده عضلات ظریف دست مانند خمیر بازی، نقاشی، رنگ‌آمیزی و برش با قیچی.

_آموزش شیوه صحیح در دست گرفتن مداد و نحوه مناسب نشستن هنگام نوشتن.

_اختصاص زمان روزانه برای تمرین هدفمند نوشتن حروف، کلمات و جملات.

_استفاده از دفترهای خطدار و الگوهای نوشتاری مناسب. ارائه بازخوردهای مثبت و تشویق دانش‌آموز در برابر کوچک‌ترین پیشرفت‌ها.

_خودداری از مقایسه دانش‌آموز با سایر همکلاسی‌ها.

_همکاری با خانواده برای ادامه تمرین‌ها در منزل.

_استفاده از بازی‌ها و فعالیت‌های جذاب برای افزایش علاقه به نوشتن.

اجرای راهکار ها

پس از انتخاب راهکارها، برنامه‌ای چند هفته‌ای برای اجرای آن‌ها تدوین شد. در آغاز هر جلسه، فعالیت‌های کوتاهی برای تقویت عضلات ظریف دست انجام می‌شد. دانش‌آموز با استفاده از خمیر بازی، ترسیم اشکال مختلف، رنگ‌آمیزی و بریدن شکل‌های ساده، مهارت‌های حرکتی خود را تقویت می‌کرد.

در مرحله بعد، شیوه صحیح گرفتن مداد و نحوه قرار گرفتن دفتر و بدن هنگام نوشتن به دانش‌آموز آموزش داده شد. تلاش شد تا با تمرین مداوم، عادت‌های نادرست نوشتاری اصلاح شود.

برای بهبود خوانایی نوشته‌ها، تمرین‌هایی به صورت تدریجی از نوشتن حروف به کلمات و سپس جملات طراحی شد. در این تمرین‌ها توجه ویژه‌ای به اندازه حروف، رعایت فاصله بین کلمات و قرار گرفتن حروف روی خط می‌شد. همچنین در هر جلسه نمونه‌ای از پیشرفت دانش‌آموز ثبت و با عملکرد قبلی او مقایسه می‌شد.

یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده، استفاده از تشویق و بازخورد مثبت بود. هر زمان که دانش‌آموز پیشرفتی هرچند کوچک نشان می‌داد، مورد تشویق قرار می‌گرفت. این کار به تدریج موجب افزایش انگیزه و اعتماد به نفس او شد.

در کنار فعالیت‌های مدرسه، والدین دانش‌آموز نیز در جریان برنامه قرار گرفتند و تمرین‌های ساده‌ای برای انجام در منزل دریافت کردند. آن‌ها موظف بودند بدون اعمال فشار و سرزنش، دانش‌آموز را در انجام تمرین‌ها همراهی کنند.

ارزیابی و بررسی نتایج (شواهد ۲)

پس از چند هفته اجرای راهکارهای تعیین شده، تغییرات قابل توجهی در عملکرد دانش‌آموز مشاهده شد. بررسی نمونه‌های جدید نوشته‌ها نشان داد که خوانایی خط او نسبت به قبل افزایش یافته است. اندازه حروف منظم‌تر شده و فاصله بین کلمات به شکل مناسب‌تری رعایت می‌شد. همچنین میزان اشتباهات ناشی از حذف، اضافه یا جابه‌جایی حروف کاهش پیدا کرد. دانش‌آموز هنگام نوشتن تمرکز بیشتری داشت و با سرعت مناسب‌تری تکالیف خود را انجام می‌داد. در مقایسه با ابتدای اجرای طرح، مدت زمان لازم برای تکمیل فعالیت‌های نوشتاری کمتر شده بود.

مشاهدات کلاسی نیز نشان داد که دانش‌آموز با علاقه بیشتری در فعالیت‌های نوشتاری شرکت می‌کند و تمایل بیشتری برای پاسخ دادن به پرسش‌های کتبی دارد. او دیگر مانند گذشته از نوشتن اجتناب نمی‌کرد و در بسیاری از مواقع نوشته‌های خود را با رضایت به معلم نشان می‌داد. گفت‌وگو با والدین نیز نشان داد که دانش‌آموز در منزل با انگیزه بیشتری تکالیف خود را انجام می‌دهد و مقاومت کمتری نسبت به نوشتن نشان می‌دهد. این تغییرات بیانگر اثربخشی راهکارهای اجرا شده در بهبود مهارت نوشتاری و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموز بود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و بهبود مشکل نارسانویسی در یکی از دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی انجام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد که دانش‌آموز مورد نظر با وجود برخورداری از توانایی مناسب در درک مفاهیم درسی و مشارکت در فعالیت‌های شفاهی، در انجام فعالیت‌های نوشتاری با مشکلاتی همچون نامنظم‌نویسی، رعایت نکردن فاصله بین کلمات، ناهماهنگی در اندازه حروف، کندی در نوشتن و کاهش اعتماد به نفس مواجه است. این مسئله نه تنها بر کیفیت نوشته‌های او تأثیر گذاشته بود، بلکه موجب کاهش انگیزه و تمایل وی به انجام فعالیت‌های نوشتاری نیز شده بود.

برای شناسایی دقیق‌تر ابعاد مسئله، از روش‌هایی نظیر مشاهده مستقیم، بررسی دفترها و تکالیف دانش‌آموز، گفت‌وگو با معلم و خانواده و مطالعه منابع مرتبط استفاده شد. نتایج حاصل از این بررسی‌ها نشان داد که مشکل دانش‌آموز بیشتر به ضعف در مهارت‌های نوشتاری و حرکتی ظریف و همچنین کاهش اعتماد به نفس در انجام فعالیت‌های نوشتاری مربوط است.

بر همین اساس، راهکارهایی شامل تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف، آموزش صحیح شیوه نوشتن، انجام تمرین‌های هدفمند، ارائه بازخوردهای مثبت و همکاری مستمر با خانواده طراحی و اجرا شد. اجرای این راهکارها موجب شد دانش‌آموز به تدریج پیشرفت قابل توجهی در خوانایی نوشته‌ها، نظم و اندازه حروف، رعایت فاصله بین کلمات و سرعت انجام تکالیف نوشتاری کسب کند. همچنین اعتماد به نفس و انگیزه وی برای شرکت در فعالیت‌های آموزشی افزایش یافت و نگرش مثبت‌تری نسبت به نوشتن در او شکل گرفت.

نتایج این اقدام پژوهی نشان داد که شناسایی به موقع مشکلات یادگیری و مداخله مناسب معلم می‌تواند تأثیر چشمگیری در بهبود عملکرد

دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین مشخص شد که همکاری میان مدرسه و خانواده، ایجاد فضای حمایتی و استفاده از شیوه‌های تشویقی نقش مهمی در موفقیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی ایفا می‌کند. این تجربه برای اینجانب نیز فرصتی ارزشمند بود تا اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و نقش معلم در هدایت و حمایت از آنان را بیش از پیش درک کنم.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج به دست آمده از این اقدام پژوهی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

__معلمان دوره ابتدایی از همان سال‌های نخست تحصیل، وضعیت نوشتاری دانش‌آموزان را به دقت بررسی کرده و در صورت مشاهده نشانه‌های نارسانویسی، اقدامات لازم را در اسرع وقت انجام دهند.

__در برنامه‌های آموزشی کلاس، فعالیت‌هایی برای تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف مانند نقاشی، رنگ‌آمیزی، خمیر بازی، برش با قیچی و ترسیم اشکال مختلف گنجانده شود.

__به دانش‌آموزان دارای مشکلات نوشتاری فرصت و زمان بیشتری برای انجام تکالیف و فعالیت‌های کلاسی داده شود تا بدون احساس فشار و اضطراب به تمرین بپردازند.

__معلمان از مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر خودداری کرده و با استفاده از تشویق، بازخوردهای سازنده و توجه به پیشرفت‌های کوچک، اعتماد به نفس آنان را تقویت کنند.

__خانواده‌ها با همکاری مستمر با معلم، تمرین‌های مناسب را در منزل پیگیری کرده و از سرزنش یا اعمال فشار بیش از حد به دانش‌آموز خودداری نمایند.

__مدارس با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان و والدین، آگاهی

آنان را نسبت به مشکلات یادگیری و شیوه‌های برخورد صحیح با این دانش‌آموزان افزایش دهند.

_در صورت تداوم مشکل و عدم پیشرفت کافی، از مشاوره متخصصان آموزش و اختلالات یادگیری برای شناسایی دقیق‌تر مشکل و ارائه راهکارهای تخصصی استفاده شود.

_انجام پژوهش‌های مشابه درباره سایر مشکلات یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و بهبود عملکرد تحصیلی آنان کمک کند.

منابع:

_درازه‌ی، عبدالسلام و یاری، فیض محمد اله و نوشیروانی مقدم، طاهره و انوشیروانی، فریده، 1404، عوامل موثر بر افت مشارکت دانش آموزان در کلاس های درس مجازی، اولین همایش بین المللی تحولات نوین در نظام های آموزشی، تربیتی، روانشناسی، مهارت آموزی و مهارت محوری با محوریت آموزش و پرورش در هزاره سوم، بوشهر.

_هوش مصنوعی چت جی پی تی.

_منابع میدانی: مشاهده مستقیم کلاس های مجازی، گفت و گوی تلفنی با معلم و والدین دانش آموز، گفت و گو با دانش آموز و ارتباط مداوم با او.